

INCHA

1096

ÉCOL

ROYA

ES JEU

DE LAN

DE PAR

1096

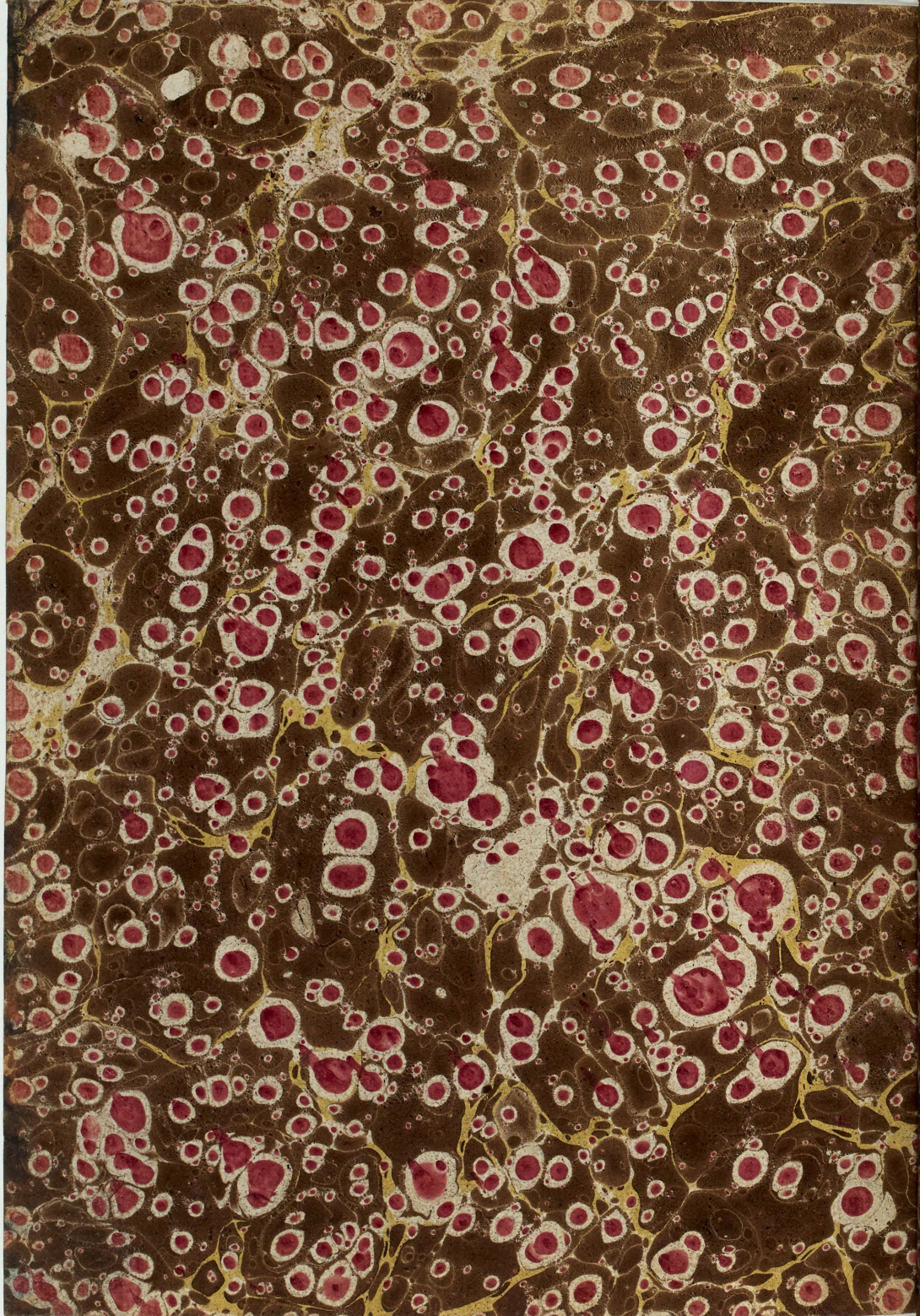








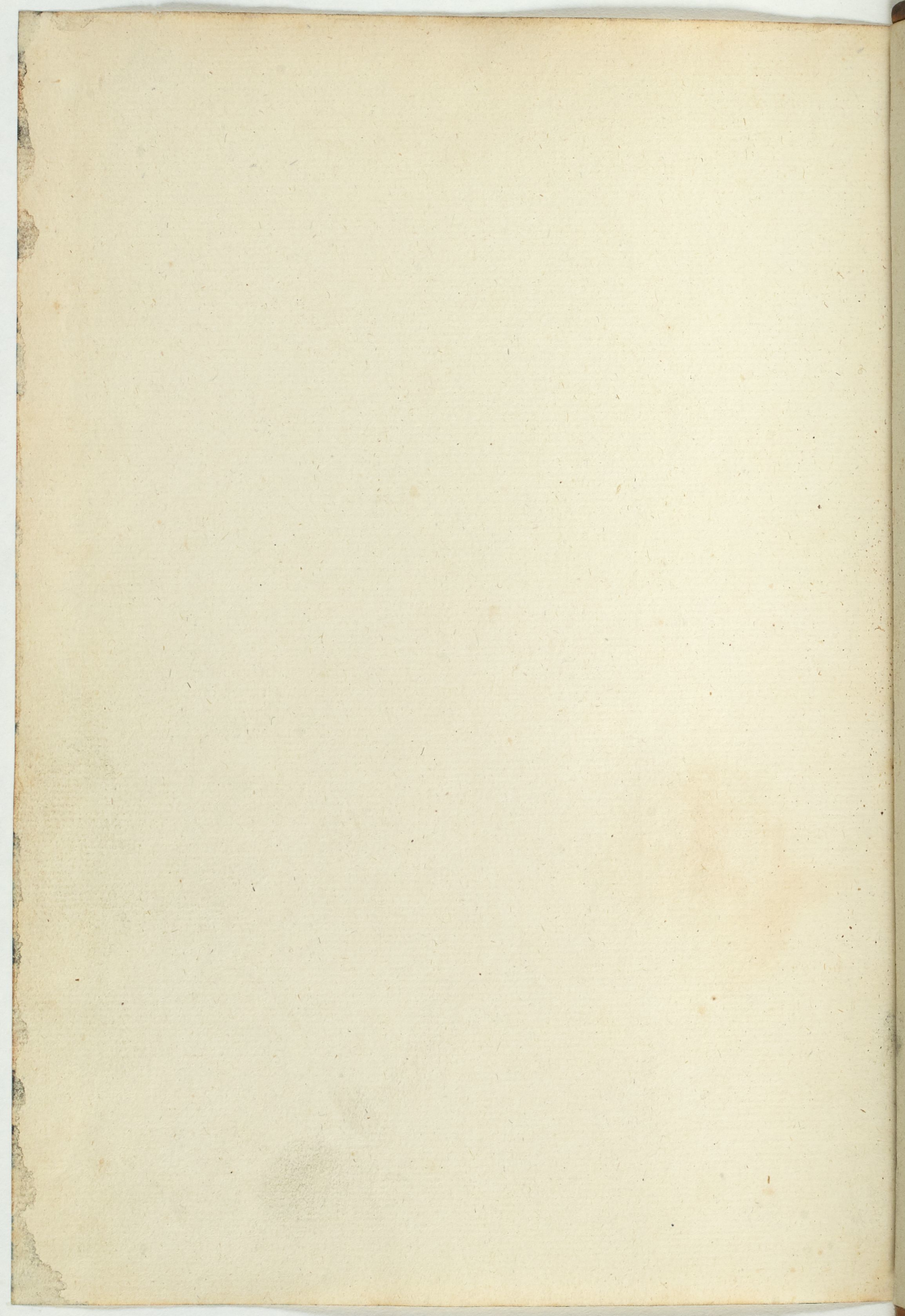




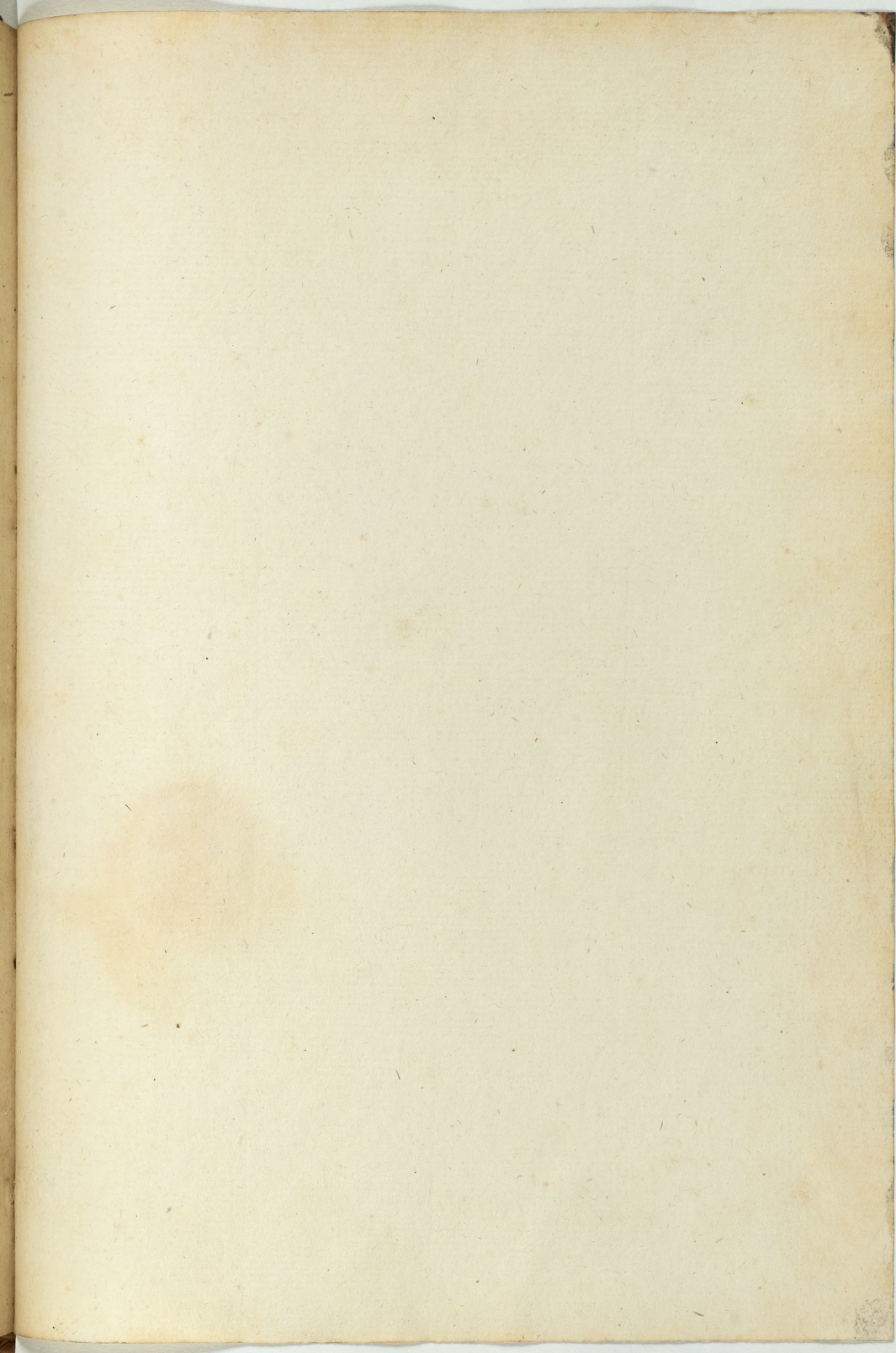


419  
163









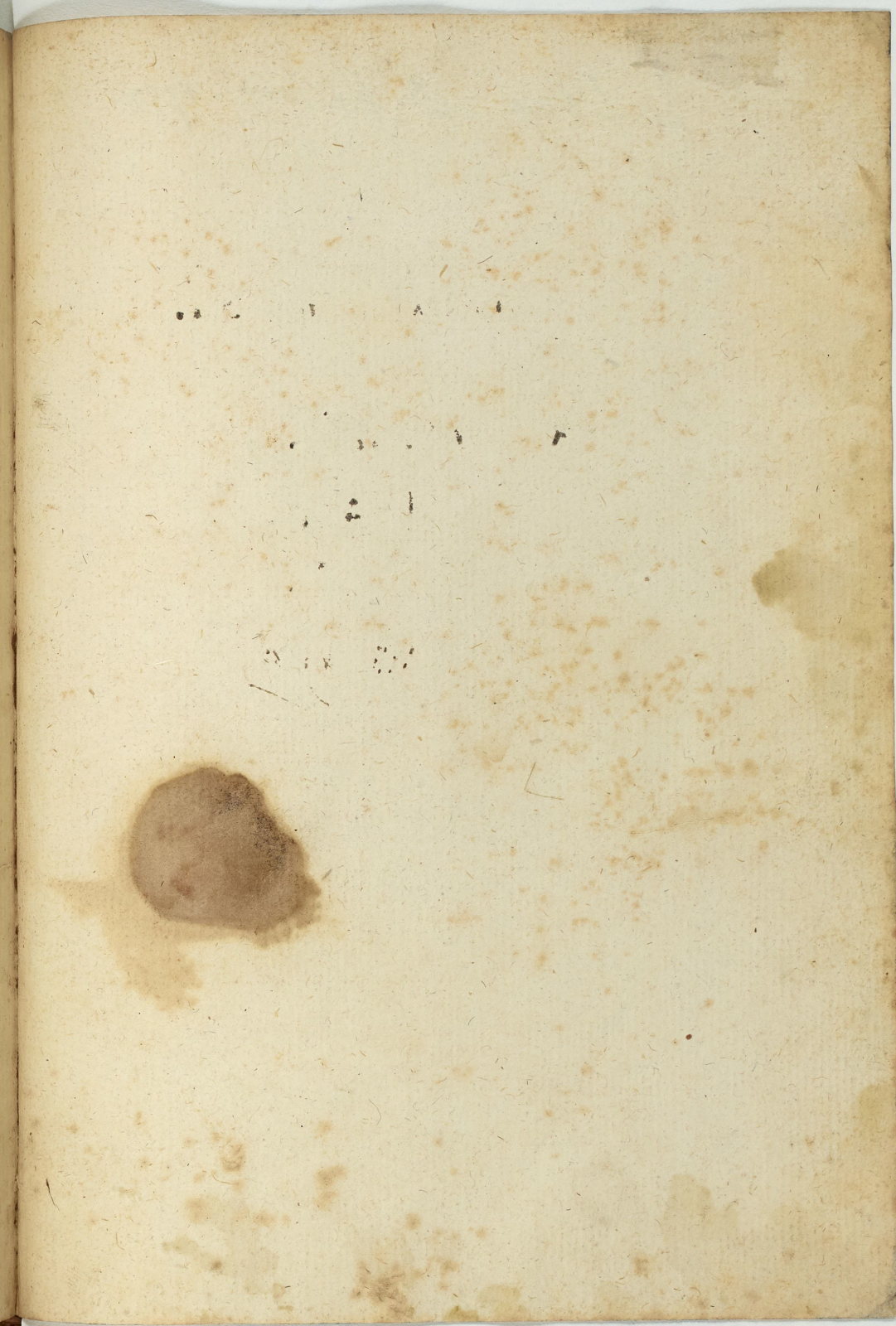


Ex Libris Desfieux - 1758. —

~~479~~

163







Bibliothèque de l'École royale des Jeunes de  
Langues de Paris

---

Manuscrit n<sup>o</sup>. 54.

Recueil de lettres turques.

(انشاء)

---

Inscrit au catalogue, S. 2. d' langue Turque,  
sous le n<sup>o</sup> 818. 89 bis

---



3 2100

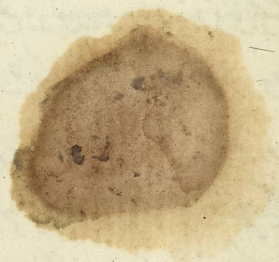
42  
π

10

23

[illegible]







بدوده و در مرتضی با هم داده و در اعظمه قلمی فغانه و صولیه ضرب کرده  
خاصه غنود و غنود سلطان عش از ویر غنود غنود و غنود غنود غنود  
انتهی منه مولایط ایل ز قننه که از نع اوردی غنود غنود غنود غنود  
بزل قدرت و غنایط و میان غنود و غنایط و غنایط غنود غنود غنود  
رحایطه صرف مکنی لودنه ایکن غنود غنود غنود غنود غنود غنود  
سینه شهنش هید غنود غنود غنود غنود غنود غنود غنود غنود  
فاخره سلطان غنود و شمشیر باهره جهان غنود غنود غنود غنود غنود  
حیی غنود غنود غنود غنود غنود غنود غنود غنود غنود غنود  
از فائده و صولیه بولغلی لودنه و از کلع و اصفافی نوید و اختتام  
ایله استقبال اولونوب خلع فاخره کیوب و شمشیر غنود غنود غنود  
نامحور ایله افرسون غنود غنود غنود غنود غنود غنود غنود غنود  
بوداننه لرب غنود غنود غنود غنود غنود غنود غنود غنود غنود  
و و لعل غنود غنود غنود غنود غنود غنود غنود غنود غنود  
حضرت دین لغز غنود غنود غنود غنود غنود غنود غنود غنود  
همایون غنود غنود غنود غنود غنود غنود غنود غنود غنود  
کونه افرود غنود غنود غنود غنود غنود غنود غنود غنود غنود  
بر قمر و نظر غنود غنود غنود غنود غنود غنود غنود غنود غنود  
استوار ایوب و نیار غنود غنود غنود غنود غنود غنود غنود غنود







[illegible]



[illegible]



رهبر توفیق رفیع حق قنح غم را بر سر همت ملان او بیاد و ذلالت  
 محکمه صرف اوله صحت نیاید و دفع عام عالمیاته نافع او را و مردولو  
 مسطاعت و جووگترین و عنصر لطیف ترین عیس حطار و دفع محفوظ ایل  
 اربع اربع از فائده بوقوله کنیز مستطاب لرب و لار و اولوب **دو**  
 صحت بجهان و دفع عالمیاته و دفع رهنم او را و مردولو مسطاعت و جووگترین  
 عیس حطابا و دفع محفوظ ایلوب عمر لرب و مسطاعت سرمدی ایل معمر لرب  
 اربع و بار بکربان **منه بقوله** **ب** مسطاعت و مردولو و دفع رهنم  
 مسطاعت حضرت مبارک که حاله بملع بخش و تملک اندام مسطاعت  
 نفسانی از انواع تعظیم و التکلم به و الاضافه توقیر و اختراع ایل و دعاله  
 و مهره ساین قلندرقه صحت معروفه بنده قیرج بود که صحت بجهان و دفع مردولو  
 مسطاعت و جووگترین حطار و دفع محفوظ ایلوب عیس حطار و دفع محفوظ  
 محتر لطف الهیه و ذلاله و سبابة حفظ و حیانت الهیه بنده قیرج  
 بالیاه اولوب روت و مسطاعت قبضه بنده رکن و علم اعدای  
 معهور و مغلوب شمشیر ایلیم که بکند اولوب و عاریت هر دفع اجابت قیرج  
 تونس جالبه شمس لکری و خلاصه لور و از کار اندام قیرج لرب و کت  
 جند رب العالمین و اقدار عالم عالمیاته قیرج و معجزه لرب و کت  
 فتوحات عیله ظهوریه مرقب و قد صد لور و اقدار و عود غنیمت الهیه  
 بر رفیع و نصرته مظهر اولو که الیه نهایت التوراه مذکور لسا



11

مها فی الاولیاء فی مضر عالیہ بہترین پور و فکرش خبرن کوشن و خوش جاہ  
 النفا و لذتہ بر مرتبہ سرور و لذت و برکتی نفس و تقویٰ و محکم و کلہ  
 حضرت صبر و لایسب و ذہولیا دجا و نفس عمر نو و کہ سعادتی سلطان  
 بونہ زبانی و لذتہ کور فکرش لایہ ایچ **مقصود پست و صدر علی**  
**و صطلح پست** بکنہ سعادتی و مروت و مروتی سلطان حضرتش حالین  
 شریانیہ یوزم سرور و لذت و عیو و عیو عرض اولہ ذوق صبرہ لذتہ شہ  
 بختہ لاریور کہ روح جز و علا شوق و عظمی و پست ظہر لایہ حضرتش  
 قلم سعادتی لایہ سیر مصلحتہ مشیر لایہ و لای و غنوی سلطان  
 و جو و شریانیہ صدر سعادتی قلم و پور و و غنوی مکر نظام الامینہ لایہ  
 و عبال لایہ فقر و صلا لکنہ لایہ اورد و عیو و قدر لایہ کونہ کونہ  
 زبانی لایہ ایچ بنی و مصلحتی سلطان احمد و عیو و عیو و عیو و عیو  
 اولوب عیو و عیو و عیو و عیو و عیو و عیو و عیو و عیو و عیو و عیو  
 و عیو و عیو و عیو و عیو و عیو و عیو و عیو و عیو و عیو و عیو و عیو  
 طری مصلحتہ عیو و عیو و عیو و عیو و عیو و عیو و عیو و عیو و عیو و عیو  
 لایہ عیو و عیو و عیو و عیو و عیو و عیو و عیو و عیو و عیو و عیو  
**والیس پست** مصلحتہ و ذہولیا و عیو و عیو و عیو و عیو و عیو و عیو  
 عیو و عیو و عیو و عیو و عیو و عیو و عیو و عیو و عیو و عیو و عیو  
 و عیو و عیو و عیو و عیو و عیو و عیو و عیو و عیو و عیو و عیو و عیو  
 و عیو و عیو و عیو و عیو و عیو و عیو و عیو و عیو و عیو و عیو و عیو

✓ ۳۵

✓ ۳۶



ما قوله اوله في سنة الترمذ اوله في حاله طرفها بوجه باطل هجره سماحي  
 غنيه طرفه شرقيه روله اوله في شرق وسبع بوسلن ايله مشرق  
 اوله في هروجه في منظور انظر ركنها برب اوله في روله في هروجه  
 الله اوله في مشرق في موضع ضبط وشرق ليله ريله برب بانه ولب في مشرق  
 ايله روله اوله في شرق وشرق من هروجه برب هروجه روله في شرق  
 سنة برب صفته هره مرتبه لطفه كمر برب وجوده كل برب طرفه في هره  
 اوله في موضع عظيم واهترنا كمر ميا في مجمع عظيم ليله في هره وربا في هره  
 ايام هروجه وشرق وشرق هره مشرق با **شفايع نام** **صورت**  
**براي لافه** هره مكنون واهترنا هره سماحي في هره وشرق  
 صفته هره ايله اوله في مشرق وشرق ليله وشرق وشرق وشرق  
 عليه اقصا الصلوة واهترنا هره برب مشرق ايله ريله  
 متوجه ودروله اوله في هره وشرق هره برب مشرق وشرق  
 مانو ليله ايله مشرق وشرق اوله في هره وشرق ليله هره برب  
 ودر برب ليله **شفاعة مشرط** **طلب** **عذر** **لجوه** مقتضات قباحه  
 نام هره وشرق ايله برب ايله في هره ريله برب هره وشرق  
 عاليه هره برب وشرق في هره سماحي اوله في هره وشرق  
 بنا كمر لاله شمع غنايت برب ودر حواله اوله في هره وشرق ليله  
 وبنوا كمر لاله واهترنا لاله ليله وشرق هره برب برب

۲۱۶

۲۲۷







[illegible]



۷ ۲۳ **مصر و البلیح حبیب با سنا، یازمندر** هر دو همایوه امکدار لرنده

اولوب مدینه منوره مشرفها است و تفرج الی یوم الاخره مجاورت  
 اختیار لایع مکتوب محال هر اهر خلیفه بنه لوب و و نلو با یک همزه غنا  
 علیه حس و لایه لوبه فطره اولوب مصر غزیه منزه یوم یوم بامه طینه  
 لایه هر منزه اولوب بدست مشرف لایع لایع لایع لایع لایع لایع لایع  
 لایع لایع لایع لایع لایع لایع لایع لایع لایع لایع لایع لایع  
 مرقوع شبه کریم لایه و بریده بدست همایوه مشرف لایع لایع لایع  
 لایع لایع لایع لایع لایع لایع لایع لایع لایع لایع لایع لایع  
 لایع لایع لایع لایع لایع لایع لایع لایع لایع لایع لایع لایع

**مکدار مکتوب مصر و طر فنیح مکتوب، یازمندر** بود که لایع

صده و لایع مکتوب و رقه مکتوب غنا با سنا فو لایع لایع لایع لایع  
 قدیمی امکدار لایع و غزیه و لایع مکتوب فو لایع لایع لایع لایع  
 غیرت بود مکتوب مکتوب و فو مکتوب مکتوب مکتوب مکتوب مکتوب  
 اولاده و لایع لایع لایع لایع لایع لایع لایع لایع لایع  
 و لایع علیه کریم لایع لایع لایع لایع لایع لایع لایع لایع  
 لایع لایع لایع لایع لایع لایع لایع لایع لایع لایع لایع  
 مکتوب لایع لایع لایع لایع لایع لایع لایع لایع لایع  
 بود لایع لایع لایع لایع لایع لایع لایع لایع لایع



[illegible]



[illegible]

مصر







يا جميع ولامی بوس صورت مانوسدین لایم کاهی منفر اولیج ارزوین  
 صمیم قلب بنده که اولوب علی الخصوص عید کین اولغله اوقه شریفون وود  
 کلون فرماه عالیبدین صدره منتظر افیدورده حکمای عالیبدین ملاقیلم  
 کله کوریه افتخار فرماه رسماه بیورلغه هنر اولوب حاضر وده قولت بیکار  
 بیوریلد و هدیه الحفیض حقیر و ضحوة لودنه منصرف لیدینه بریونی جامه متین  
 اوله اولغدر و صولنه کتا حلتی و قهوه و فرولام عنقو ایضا خیل مستور  
 بیوریلد و فرماه سلطان غلدر **صدار نهضیه لایم بازطدر**  
 صدرتو و مرآتو سلطان حضرت پیش حکای کیمیا صلیح بنی لرینه فطوح  
 و عولام خالصه غایت و دولام نیاه و متور لام نیاه محبت نشه  
 رفیع عنوله که ضمایر نکهت رباع عقلاء و ماه و حواله عقده کسای فضیله  
 و ورانه ظهور لتمامش اولد لوجه جانیه افلاخ محبت نشه لایم رشید  
 و جریه موافقه ارفع مصداق نشه لایم رفیع اولوب نیمی صباء  
 مهر افشاید لایم اهداء مسترح مکان اولد رفیع صله ضمیمه جنابین  
 برهانه انشاء اعلی و اوداه اوده بورد و بیه ترشح قلب و المستیصار  
 مرصد انترک روه مرصد اجناس و ملاوت لئارا لیکم الحمد لله الحمد لله  
 طایفه میوه و طالع منبرج مرکور اودو مناره بلندی صدرت پیوند لطف  
 لیدون صدراعظمی و ارام فکر صفا کثر لایم مشرق اولد و غنی نیتا غنی  
 بنوینا تولد لند فلام همداه ابتداء طلوع فکر صبا کدره انتهای غروب



مشق زواله که روی تضرع حال آینه اسودت روضه غزل افلاک  
 روز بروز غم کبر کی شعله غم صفت و سار اعمال و با کثر  
 استغفار خبانه شاه بولهر استمار بار بار بجزیره مالامال اولی و عاثره  
 بالصفوف و لا خلدی و لا فخر لعنه اوله و غم محو طایبید بکام  
 نو باد اهد کاد تو خداوند کین نکم داند تو **عید زین زیندیه** **ایوبه** **در اعظمه**  
 نقول و میر تلوس طبع میهن پیش حکیم کثرت لعل لریه و قلم قلندرق کشته  
 معروف منزه بود که جنب جعفر فرو بچو و حمرو و نکثر افزون و عید زین  
 مبارکه میجو لیلی و ایما بود روز منتهی فزون نایر و سرور قلندریه  
 حشر لیکر میسر لیلی و عید زین بازار کوفه اولی مقرر از زین و ایما بود  
 امثال ایام و وقایع ایام ازین میز هیئت نکو حصا لری حد لری ذوالجلال  
 حفظ و صیقل اولی مر اولی و لاری ندری میسر قبولی و غزل  
 پنج پنجه بریل ایام حجت بهشت و در رفاحیت و هموار و مستطاب و نور  
 لعنه او فایز نایزه اولی و مقدس حجت لیلیه میز میسر طایفه بر آه حجت  
 نشانی طرف میز نکوز و مکتوب اولی و نکوز زلال و اولی و منزه حجت  
 مشخوشته فامور اولی و غیره حفظ و مکتوب حجت و سپاس بر لری  
 بوفو کثرت و مقید اولی کثرت کثرت قلم که مکر و حیل منزه امتداد  
 صبی که بهار قلم و لری و غزل و قلم و قلم و قلم و قلم و قلم و قلم  
 لیلی و طولی و غزل و غزل و غزل و غزل و غزل و غزل و غزل و غزل

۱۳

✓









ازین و در کجای سبک و آنچه و ایما توفیق رفیع ازین و در کجای سبک و آنچه  
 پادشاهی و موزون عمل و انوار عیون ازین و در کجای سبک و آنچه  
 عینه و کرمه ازین و موزون عمل و انوار عیون ازین و در کجای سبک و آنچه  
 حالتی که در کجای سبک و آنچه و ایما توفیق رفیع ازین و در کجای سبک و آنچه  
 حریفه و در کجای سبک و آنچه و ایما توفیق رفیع ازین و در کجای سبک و آنچه  
 معتد و در کجای سبک و آنچه و ایما توفیق رفیع ازین و در کجای سبک و آنچه  
 محکم ضبط و در کجای سبک و آنچه و ایما توفیق رفیع ازین و در کجای سبک و آنچه  
 جبهه و در کجای سبک و آنچه و ایما توفیق رفیع ازین و در کجای سبک و آنچه  
 عید و در کجای سبک و آنچه و ایما توفیق رفیع ازین و در کجای سبک و آنچه  
 بیرون و در کجای سبک و آنچه و ایما توفیق رفیع ازین و در کجای سبک و آنچه  
 ایلم و در کجای سبک و آنچه و ایما توفیق رفیع ازین و در کجای سبک و آنچه  
 و ازین و در کجای سبک و آنچه و ایما توفیق رفیع ازین و در کجای سبک و آنچه  
 تسلط و در کجای سبک و آنچه و ایما توفیق رفیع ازین و در کجای سبک و آنچه  
 هجوم و در کجای سبک و آنچه و ایما توفیق رفیع ازین و در کجای سبک و آنچه  
 و شمع و در کجای سبک و آنچه و ایما توفیق رفیع ازین و در کجای سبک و آنچه  
 چنین و در کجای سبک و آنچه و ایما توفیق رفیع ازین و در کجای سبک و آنچه  
 ازین و در کجای سبک و آنچه و ایما توفیق رفیع ازین و در کجای سبک و آنچه  
 کوشه و در کجای سبک و آنچه و ایما توفیق رفیع ازین و در کجای سبک و آنچه



کنند بهشت و نه مکرر بعد بهشت؛ که در رتبه نورده معزول سلطان  
مقتدر بهشت اجناس زه سلا مندره قنطر و کراخ لیکر اربع او فائده  
مقرر نامه های بود متا بعد از او در حق ملکوت امر است و باین واسطه  
اولون و صفون منبضه معزول و عظمت و باین هم طول الله تعالی عمره  
و در حق حضرت بهشت و در حق حضرت بهشت افاضت کبر و صدارت عظمی  
معزول و وزیر که ابی بهشت حضرت بهشت تفویض و تعلیم بود و فایز  
جنت نعمی لیا باین و در صدر عالیه فایز نعیم و خضر بیور لبر و غن  
اشعروا فایز بیور سلطان بوسیده بعد از شنبه هادی کمال مرتبه ضعیف  
و در حق رتبه او در رتبه روح مبارک و توفیق مبارک و معبود و انواع  
غریبه معزول لیا باین و در حق عباد الله منظره سیرت بیکر و لیا  
او معزول حیل و لیا به عینه جاب فرنا به یک هیله بوسیده لیا تا نور او در حق  
وجه الدنیه و معزول معزول حفظ و در کماله و قول طایفه مشرعی ضبط  
در بطنه و منبضه صلیح که بعضی رعایانه و لیا حکامینه بزه معزول  
و منبضه معزول معزول بوزر معزول که حق توفیق رفیع لیا اولاد  
ایام شام و لیا اولاد و در حفظ ملک و مملکت و ضبط و منبضه  
قول و در حق امر و لیا شنبه و در حق رفیع و در حق ملک  
متمم لازم که تدا رکنه و بود کماله حدیث معزول که شمع های بود  
و لیا اولاد و مشک و لیا ایام معزول جنت سر نیکو معزول

ایام شام و لیا  
۱۷



1A

[illegible]

د رښتيا



✓ 27

✓ 42











الجرح غلظته العزاة مصعبه البعج لغث جيبه قلبه كاجابه وک برادول  
 ملا باء و الجرح بلكه منابه فزنده فز كور فله ضلله حاله كل عكر ضلله هير  
 واده سكر عده وطوب لرو پيكرا يله طمسوله الجرح و درج قوناي و مجله  
 او نورب مندر عكر ندر كنه اولد و غين محقق اولوب بودة طرفه نونه  
 هر استونج مشه بكمي فطه جی ايجاب ايدر بوردو عكر و دوشته بونغيك  
 و زما لا زين بنما برنج و فخر اوجانه كنه مراد و انشور ايكس محمد اختلاز  
 و احباط دلا و رچو منغ ايدوب و و جيله كنه لونه اجار و و مصيب  
 انو لغت ايد و نه دير ايله بوجا كندين مي فطه ايدوكا جو عكر جيو ك و نه رگ  
 البقوب بونج مملكتن حرج قوناي زمانه و كلدر مرهم اوردو حنق كور كه جو و عسيرة  
 بوقه مندر و مرور لانه قاله بوقه كاه بصوب كيدر لروب اقا بر بويار كه  
 سكر بار خنجر برو كنيغ اصرافن بلكه طمسولده و بر اوج مندر قندرينه رض و بوي  
 بويانه عصب و عصاب لازم كلوي سه بن كنه و غصه عكسك اوتوب و ده و كني  
 بوبوز و نه لستال و قسطنطينه كويل البقوب قابر اولد و نه اوتوب و عكر  
 حاله بوطر فله احباط ايله محظله مجتهد البعا ابا استونج ارك و عكر  
 اوسلوب ساق لوندنه بوبوزه منقله لوتج احباط دلا سه بهدر لوندنه  
 اوكور سقندر اولده طره كدر عاقبت نه منجر اوتوب عكسك علل البقوب  
 و لالا شمش و بونج بوطر فله كليب ايام و فخراني و پاك هيله اوتوب لوم  
 حاله مرقه البلاء قانق و لغه الهوسيه بر نه فخر اولد و نه اوتوب مرقه فخر



[illegible]



۱۷

پاک است؛ فظهر لولمکن محض نشیده و کله ر باقی حوله اوده و هو  
 غیر است یا فظهر عطا یا ب نهاییه و اهر العطا یا اوطفه چه اوله  
**نهیج کجوه یا زملار** مشعر بیک حاله بو فخره بشت هکر مشعر  
 بر صلاب سمناکه و بر نزل و روکله بشت مرصع جکر کوشه کز ولر خناوه  
 سران بقایه لشقاله لیدوب بو ولر ملا فخره روضه جنایه کز فیلوب  
 انا لله وانا الیه وارجعون پیش جاره امر و ارادت خدکن و رحه  
 و اهر ملا ماله الیمش کله بو و ک جناب صحره نصایکزه عمر طوبر و اهر  
 جزیرار زان قلیوبه ایمن بکفر میله لیدوب فاما مع علیم و کله بو اول  
 لست غفره روضه ثاسن و تالم و لغه اوله بکفر و کفر فایر و کله ر اهر  
 واحد لنگه ر که اعرنه رضوه غیره چاکه له مشاعره بو لو وچ نه و ک  
 ایمن غفره ضایع و اولوب مشاه ماجر اولدکز **نهیه سعد خاف**  
 حاله بی تا بیل و سجاده و صحره فضا صحره بهله محد و فوله لری کوه  
 ترنبیر و تریب سرور انجام و صحره فضا قصه مشروع اوقش اهر فخر  
 علمس الجیمه لیل اوله لایب املله و اصحاب احضاره اکثر اولدنه  
 من فخره لیمش فخر عین لیدوب نیا علمه هذا خیر من نور بباله سطره  
 اوله فخر کجوه بنه لری کله موهن قلی و مشرف و صحره مشرابطه ترنبه  
 مود و فخره لیدوب لولک و ملا مکه اوله لیدوب فاما مشرف  
 غفره لطیفه ر ملاحقه احتیاد لیل له مشاعره عود لیدوب خاف



١٥  
 لافعل و لریه با خبر کلا حاصرا و لونی میسر اولی **بند اول و دلیلی و مرسل**  
**بیان پاک** ه عالمی بناه **مهرنگش شهنشاه** بجله بخندون نهیسه **اعلامی میخونه**  
 جلاله اوست حالت رفیع و زمانه دایم بدقت متعالیه و معینه نوائج  
 حلوله معر توپاک هنر که مشهور از جوانبختی کنی عمر مدد گزیه  
 ظاهره قریع بصفتی غیاثه خلیفه شش شکرانه بی ماکر محرومه الماکله  
 اودو عید شغف معنی حالتی میخونه اوستی غرور ثاب مشغله لیدی  
 و هیه بهیسه **اعلامی میخونه** شهر تزیی اوستی معنی قریع اولوی بوفی  
 مترس دست شریانیاء **اعلامی میخونه** معنی ماکر مایه و کافه لانج اولوی  
 ایچو (مورکنی جهانه مطاع و لدو اولوی و فردی مین و فو ها نوک  
 حذقتی میر افراد و کف و لاف نهیسه لریه مورج ها یوه انسه مطوع  
 لیدی اولی **بند اول و دلیلی و مرسل** و دلیلی و دلیلی و دلیلی و دلیلی و دلیلی  
 غریب قلندر مشرف و صوفیه فرماه جلیله الله روحی نهیسه و شکر و صیص  
 قلندر و قلندر و قلندر و قلندر و قلندر و قلندر و قلندر و قلندر  
 تزیی لیدی و لیدی و لیدی و لیدی و لیدی و لیدی و لیدی و لیدی  
 ماکر لیدی و لیدی و لیدی و لیدی و لیدی و لیدی و لیدی و لیدی  
 معنی و مرسل و مرسل و مرسل و مرسل و مرسل و مرسل و مرسل و مرسل

ساحل و منتهی به جوه کاه های کامولید و مطنوف و شیرین و ماز اوردی و مینا  
فداند و شیر کاهلر به نوبه و علم و کس و مود و ماز و شیر و مینا







علا لرب الولد في قدر عينه صفة صغير من رافعة نابا: لهن محمدا :  
بوركة لكرشناكا دلونج بدلي كدر حظرا اندر سري اولوسه كدر  
المكسر المتعاه و هو و عديم مقام سلاسة مني ادون و دلالع عمرو و  
بارك هي و قيام هتكاخ فرس شارب اوعيه منه ملذع و و سناخ  
صداق من نر با و هو و سناخ و دلالعه باركش از سناخ قدر قدره  
ملاظرة لعدنه ايد و كدر بلدي و ر بنج و فتلو فتلاش لا قتلا و مريم  
و در نصيبه و ركه و دغه و لغز بكت مشرق و د و بر لدر و غنم فيل  
و كبر اول مشرق و ر جذب و دفر فابريه اولدنه مير و مجتمعي بوفيه  
ليد و فليكنش هدر ايله اولم مكنون مودع و صوبيد ب مطا  
نصق مودع ايد و كدر علمي كدر بيه مشكاه و ر هو بار و كاتر عاله و دولاك  
وليد لرب بيردني بويديون

7 2 2

تم سلطان محمود و سبه لرب و دغه و عيو و يبع به حاله و و نونه  
ايك اولدنه لدر مشرق اولو و متوفى و فافولدر و و و و و  
خريف مودع كدر يله و بالي لدر شفا ع ايد و كدر مكنون كدر لرب  
حايث و ف عده اعتر كدر از خد لرب متعاه ش هدر حاله و و  
ما في لاليه و ر به پشنا مودع لسناء ايلد كدر از و مودع لرب  
اوعيه منه باده و كاسر اولد و غن معلوم عرم مودع مودع و و  
حضرت و بونج بوبله رجا كدر كدر بيه البوع اقباله معدنه فضير



د توفیق و کار و عمل د نیک شرع سر بنه و طبیعت ایلید فراه سلطانکار

۱۰۹۶

اصلى

فیه ماه اولی

شربہ ایچرم



۱۱۵۷  
مجموعه



